

## سه میلیون تن در افغانستان مواد مخدر مصرف می‌کنند



آماري که وزارت صحت عامه ارایه کرد نشان می‌دهد که سه میلیون نفر در افغانستان از مواد مخدر استفاده می‌کنند که از این میان، ۱,۶ میلیون نفر آنها به مواد مخدر معتاد اند. این تحقیق نشان می‌دهد که ۱۳ درصد مردم افغانستان در روستاها و پنج درصد در شهرها از مواد مخدر

استفاده می‌کنند صفحه ۶

## نواز شریف به رهبران دولت وحدت ملی در کابل:

# با تمام قوت در پشت‌تان ایستاده‌ایم



صفحه ۶

## کمک‌های جهانی به کمیسیون‌های انتخاباتی قطع شد



آقای فیصل گفت: برای ایجاد اصلاحات در نظام انتخاباتی کشور تلاش‌ها جریان دارند. دفتر هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان ابراز امیدواری کرده تا رهبران حکومت وحدت ملی به تعهداتی که در خصوص آوردن اصلاحات در نظام انتخاباتی این کشور کرده‌اند، عمل کنند. این در حالیست که قبل از این اتحادیه اروپا گفته است که در صورت عدم ایجاد اصلاحات حمایت مالی و نظارتی را اش را نسبت به نظام انتخاباتی افغانستان متوقف خواهد ساخت.

اما یک مقام کمیسیون انتخابات گفته است که فیصله در مورد قطع این حمایت مالی تا کنون نهایی نشده و بحث‌ها در این مورد جریان دارند. انتخابات پارلمانی تا آوردن اصلاحات لازم در کمیسیون‌های انتخاباتی به حالت تعلیق در آمده است. به دلیل تقلب کمیسیون‌های انتخاباتی، انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در سال گذشته با بحران گسترده روبرو شد. جاوید فیصل سخنگوی ریاست اجراییه حکومت افغانستان می‌گوید ادامه حمایت مالی جامعه بین‌المللی از نظام انتخاباتی این کشور مشروط به میان آمدن اصلاحات است.

کمیسیون شکایات انتخاباتی می‌گوید که جامعه جهانی حمایت مالی‌اش را از نظام انتخاباتی قطع کرده است. ستار سعادت دلیل قطع کمک‌های کشورهای خارجی از پروسه انتخابات را برگزار نشدن انتخابات در زمان معین آن می‌داند.

رئیس کمیسیون شکایات انتخاباتی می‌گوید: اگر انتخابات مجلس در زمان معین برگزار می‌شد، جامعه جهانی حمایت مالی‌اش از نظام انتخاباتی را پیش از وقت قطع نمی‌کرد. عبدالستار سعادت به رادیو آزادی گفت: در حال حاضر قانون اساسی کشور در حال نقض شدن است.

آقای سعادت گفت: اقدامات لازم به هدف برگزاری انتخابات مجلس از سوی حکومت صورت نگرفته و جامعه جهانی حاضر نیست در حالت سر در گمی از نظام انتخاباتی افغانستان حمایت کند.

معاشات کارمندان کمیسیون‌های انتخاباتی افغانستان در یک پروژه دو ساله از سوی برنامه انکشافی سازمان ملل متحد یو ان دی پی تمویل می‌شد.

به اساس گفته‌های رئیس کمیسیون شکایات انتخاباتی معاشات کارمندان از این طریق دو ماه قبل از معیاد تعیین شده در اخیر ماه جاری میلادی قطع می‌گردد.

## وال استریت ژورنال:

# ۶ نفر از ربوده‌شده‌گان کشته شده‌اند



باره گفت که روز گذشته ۱۹ نفر از ۳۱ گروگان در ازای رهایی ۲۲ اسیر ازبکستانی آزاد شده‌اند. پس از ۷۶ روز از ربوده شدن ۳۱ مسافر در بزرگراه قندهار - کابل توسط افراد مسلح ناشناس و آزادی ۱۹ نفر از آن‌ها مقامات محلی ولایت غزنی اعلام کردند که باقی گروگان‌ها در ازای خواسته‌های دیگری آزاد می‌شوند.

خالق‌داد اکبری، رئیس شورای ولایتی غزنی نیز اظهار داشت: باقی مسافرانی که تاکنون در اختیار افراد مسلح ناشناس قرار دارند در مرحله بعدی آزاد خواهند شد. این در حالی است محمد اشرف غنی رئیس‌جمهور افغانستان روز دوشنبه در نشستی خبری که در همین رابطه برگزار شده بود، گفت: حکومت وحدت ملی برای آزادی ۱۹ گروگان از ۳۱ مسافر ربوده شده در ولایت زابل با هیچ کس معامله نکرده است.

این بزرگ قومی به نقل از برخی گروگان‌های آزاد شده گفت: پنج نفر از گروگان‌ها توسط رباینده‌گان کشته شدند و یک نفر دیگر نیز به علت کهنوت سن جان خود را از دست داده است. میرزاخان در ادامه اظهار داشت: یکی از افراد کشته شده نظامی بوده است. اسدالله کاکر یکی از اعضای شورای ولایتی غزنی نیز در این

روزنامه وال استریت ژورنال به نقل از یک متنفذ قومی در ولایت غزنی از کشته شدن ۶ نفر از ۳۱ مسافر ربوده شده در مسیر قندهار به کابل توسط افراد مسلح خبر داد. وال استریت ژورنال به نقل از میرزاخان یکی از بزرگان قومی در ولایت غزنی اعلام کرد: شش نفر از ۳۱ مسافر ربوده شده در مسیر قندهار - کابل توسط افراد مسلح کشته شده‌اند.

### در برگ‌ها



تز و انتی‌تز  
نامنی‌های  
اخیر  
شمال و غرب

### پایان بازی



زبان  
و  
مدرنیت

مسوولان امنیتی  
اتهامات ظاهر  
قدیر  
ولالی بر رییس  
مجلس سنا را رد  
کردند



علی پارسا

# تزو انتی تز ناامنی های اخیر شمال و غرب



با در نظر گرفتن این تاکتیک جنگی و با شناخت همه جوانب آن، حکومت وحدت ملی مکلف است که برای پیش گیری و پیش دستی در خنثا کردن این گونه حملات، اقدامات موثری روی دست گیرد. به همین منظور، سران حکومت باید دست کم در دو عرصه جنگ استخباراتی و مقاومت در برابر حملات آبی و شدید غافل گیرکننده، تدابیر موثر و کارآمدی را اتخاذ کنند. در مرحله نخست، حکومت وحدت ملی باید نقاط کور امنیتی که زمینه ضعف نیروهای امنیتی را فراهم می کند، کشف و خنثا کند. یکی از این نقاط ضعف عمده که همواره مورد نقد کارشناسان امنیتی بوده، توان پایین کشفی و استخباراتی نیروهای امنیتی است که نمی توانند پیش از وقوع حملات دشمن، آن را در نقطه خنثا کنند. در حالی که کم هزینه ترین و موثرترین راه برای مقابله با هراس افکنی، تقویت ارگان های کشفی و سرمایه گذاری بر روی توان استخباراتی نیروهای امنیتی است که سبب می شود پیش از آن که حمله ای از وادی طرح و نظر به صحنه عمل برسد، کشف و خنثا شود. یک دستگاه استخباراتی قوی نه تنها می تواند ابتکار عمل را از دشمن بگیرد، که حتی دست عناصر نفوذی دشمن در حکومت را هم می تواند از پشت ببندد و با شناسایی مزدوران درون ساختاری دشمن، توطیه و خیانت آن ها را دفع کند.

اقدام استراتژیک دیگری که به خصوص برای رفع و دفع حملات و ناامنی های اخیر در شمال و غرب کشور ضروری است، بالا بردن توان نیروهای امنیتی در ولایات و ولسوالی های کشور است که با جابه جایی چهره های متعهد و مدبر در رأس ادارات محلی به جای چهره های نفوذی و آلوده به فساد ممکن می گردد. گزاف نخواهد بود اگر ادعا کنیم که بخشی از ناامنی های اخیر در ولایات مختلف، ناشی از سیستم سرپرستی اداره ولایات و فرماندهی های آن هاست. زیرا حتی اگر نخواهیم پیش داوری کنیم، باز هم نمی توانیم ادعای تظاهرات کننده گان کابلی مبنی بر بی کفایتی والی و قوماندان امنیه ولایت بادغیس و یا ادعاهای دست داشتن والی کندز و یا هم برخی از وکلای مجلس و نماینده گان شورای ولایتی بدخشان را در ناامنی های اخیر نادیده بگیریم!

می کنند و پس از شکست و باز پس زده شدن در آن جبهه، دامن خود را از آن جا برمی چینند و به سراغ نقطه دیگری می روند. چنان که در حملات تروریستی اخیر این گروه در این اواخر در ولایات بدخشان، کندز، غزنی، بادغیس، فراه، بغلان، هرات و ... به خوبی گواه آن هستیم. حمله گروهی بر برخی از ولسوالی های ولایت کندز، درست بعد از این که نیروهای امنیتی افغانستان به ناامنی های بدخشان پاسخ گفتند، صورت گرفت. پس زدن هراس افکنان از کندز، حمله های پراکنده به فراه و بادغیس، و سپس بغلان و هرات، همه به گونه واضح تأییدی بر تاکتیک ضربه و گریز آن هاست. این حملات به گونه بسیار سریع در کوتاه ترین زمان ممکن و با هدف محاصره و یا سقوط یک منطقه صورت می گیرد. در این گونه حملات؛ عنصر غافل گیری، سرعت و شدت حمله حرف نخست را می زند. چنان که در تمام حملات اخیر در ولایات مختلف کشور، هر سه این مولفه ها به خوبی نمایان بود. به این ترتیب که اگر حمله غافل گیرانه، سریع و باشدت دشمن در ابتدا به ثمر نرساند و با مقاومت نیروهای امنیتی کشور روبه رو شود، آن گاه هراس افکنان به عقب می نشینند و با جنگ های پراکنده و غیرمنسجم، تلاش می کنند تا نیروهای امنیتی کشور و حواس مسوولان امنیتی را به خود مشغول کنند تا به این طریق، هم زمان شان در میدانی دیگر مجال حمله غافل گیرانه دیگری را بیابند.

از سوی دیگر، این گروه های هراس افکن با توسل جستن به این بازی موش و پشک، می توانند در برابر میزان تلفاتی که می دهند، در عرصه جنگ تبلیغاتی هم به دستاوردهای مغتنمی نایل آیند. از آن جا که هدف اولیه هر گروه هراس افکن، گسترش بذر احساس ناامنی در میان جامعه و به راه انداختن موتور قدرتمند تبلیغاتی شان است، تاکتیک ضربه و گریز، بیش از هر حرکت دیگری می تواند توجه مردم و رسانه ها را به خود جلب کند و احساس ناامنی را به جامعه القا کند. به این ترتیب، دیده می شود که هر چند این گروه ها در میدان های نبرد در این ایام تلفات سنگینی را به جان می خورند، اما شوربختانه توانسته اند که حس شوم ناامنی را تا اندازه زیادی در دل شهروندان کشور بارور کنند.

حکومت هر چند با بازپس گیری ولسوالی ناوه غزنی که ۹ سال تمام کنترل آن به دست طالبان بود، نشان داد که هم عزم قاطع در برابر دشمن دارد و هم توان آن را؛ اما از دست دادن ولسوالی جوند ولایت بادغیس، ضایعه کلانی بود که نتیجه بازی را تا این جای کار یک-یک کرد. با این حال، نمی توان از حملات گروهی دشمنان به ولسوالی های مختلف ولایات شمالی و غربی کشور، از جمله حمله به ولایت بغلان و یا ولسوالی شیندند ولایت هرات و ناامنی های اخیر بسیاری از ولایات دیگر چشم پوشید. به این ترتیب، باید پذیرفت با توجه به عملیات گسترده ای که دشمنان افغانستان و هراس افکنان خون خوار برای ناامن سازی شمال و غرب کشور تحت عنوان عملیات عزم به راه انداخته اند، تا این جای کار نمی توان نتیجه میدان های نبرد را پیش بینی کرد و ناگزیر باید همچنان نظاره گر بازی بود.

حاکم شدن طالبان بر اداره ولسوالی جوند ولایت بادغیس از آن جا که این ولسوالی در یک موقعیت فوق استراتژیک در نقطه تلاقی سه ولایت هرات، غور و بادغیس قرار دارد، از حساسیت بالایی برخوردار است. اهمیت دیگر این منطقه در این است که ولسوالی جوند در زمان مقاومت علیه رژیم طالبان، از معدود مناطقی بود که هرگز به دست آن ها نیفتاد و به این ترتیب می توان گفت که سلطه بر این ولسوالی، همواره رویایی دست نیافتنی برای طلبه ها پنداشته می شده است. حالا با حاکم شدن این تروریستان بر این ولسوالی - ولو به گونه مقطعی و زودگذر - احساس می شود که این گروه حداقل در عرصه قدرت نمایی و مانور نظامی، حرف هایی برای گفتن دارد.

با یک سنخ شناسی در رابطه با حملات و ناامنی های اخیر در ولایات مختلف کشور، می توان گفت که مخرج مشترک همه این حملات را تداوم «بازی حمله و گریز» شکل می دهد. به این معنا که در بیش از یک دهه گذشته، نیروهای شبه نظامی هرگز جسارت حمله منسجم به منظور تصرف بخشی از کشور را نداشته اند؛ بلکه گروه های هراس افکن به خاطر پوشاندن همین نقطه ضعف و ناتوانی کلان شان، همواره به شکل حملات انتحاری و یا اقدامات گروهی در بخش هایی از کشور اقدام

## سخن ماندگار

### سفرهای دلهره آور مقامات پاکستانی

چاشت روز گذشته، نخست وزیر و مقامات ارشد سیاسی- نظامی و ملکی پاکستان، وارد افغانستان شدند تا با آقای غنی و عبدالله دیدار و گفت و گو کنند.

گفته شده است که این سفر، به دعوت رییس جمهور غنی صورت گرفته است. از ظاهر اعلامیه های هر دو طرف نیز پیداست که این سفر رسمی به هدف همکاری های دوجانبه در راستای مبارزه با تروریسم و مسایل صلح و برخی مسایل اقتصادی و اجتماعی صورت گرفته است.

آقای شریف و هیأت ارشد همراهش در حالی وارد کابل می شوند که همین چند روز پیش، یک گروه دیگر از مقام های برحال و اسبق پاکستانی وارد افغانستان شده بودند و با آقای غنی دیدار و گفت و گو کرده اند. این رفت و آمدها که معلوم نیست چه هدفی را تعقیب می کند، مردم را نگران ساخته است. زیرا در هر دو سفر اخیر هیأت های پاکستانی به افغانستان، مقام های استخباراتی و نظامی پاکستان نیز حضور داشته اند و دیدارهای پنهانی کرده اند.

به نظر می رسد که با وجود همکاری نکردن پاکستان در پروسه صلح افغانستان، باز هم آقای غنی برخلاف تحلیل هایی که در سفر او به هند مطرح شد، نیازمندی به پاکستان را فراموش نکرده است.

البته شکی نیست که سفر آقای غنی به هند و عقد قراردادهای اقتصادی و نظامی با هندوستان، پاکستانی ها را نگران ساخته و آنان می خواهند با سفرهای پی هم به افغانستان، این روابط را آسیب بزنند.

قبل از سفر آقای شریف به افغانستان، اظهارات مقام های دولت وحدت ملی نشان می داد که تمام رویه ها و کنش های پاکستانی ها، به هدف اغفال مقام های افغانستان صورت گرفته و باعث شده حوزه جنگ گسترش یابد و طالبان و داعشیان بیشتر تقویت شوند. سخنان اخیر آقای اشرف غنی احمدزی در کنفرانس خبری مشترکش با رییس جمهور کرواسی نیز نشان داد که سفرهای پیشین مقام های پاکستانی چندان موثر نبوده و اشرف غنی احمدزی آمیدهایش به پاکستان را از دست داده و دنبال کشورهای دیگر افتاده است.

اکنون امید می رود که سفرهای مقامات پاکستانی به افغانستان، سبب اغوای دوباره حکومت وحدت ملی نگردد. چرا که سفر آقای شریف که به دعوت آقای غنی صورت گرفته است، هرگز نمی تواند واقعیت رابطه و تعامل غیرصادقانه پاکستان با افغانستان را تغییر دهد.

هر چند به گفته تحلیل گران، پاکستان حوزه جنگ در افغانستان را وسیع ساخته و می خواهد برنامه های بسیار کلانی را روی دست بگیرد؛ اما هنوز به گونه دقیق، نیت مقام های پاکستانی از سفرهای جدید به افغانستان معلوم نیست. زیرا اگر بحث همکاری در روند مبارزه با تروریسم و صلح را در نظر بگیریم، شواهد و مدارک بسیاری وجود دارد که نشان می دهد پاکستان توانایی ایجاد ثبات در افغانستان را ندارد و برنامه های کلان پاکستان نیز به هیچ عنوان نمی تواند تعدیل و تغییر یابد و یا انعطافی در سیاست های عملی این کشور رونما گردد.

مردم افغانستان حق دارند که بفهمند در دیدار میان سران دولت افغانستان و پاکستان چه چیزهایی اتفاق می افتد و اصلاً پاکستانی ها به دنبال چه هستند. آقای غنی مواظب باشد که دوباره اغفال نشود و این بار تا به چشم سر و در صحنه عمل، وفای به عهد پاکستانی ها را نبیند، به آن ها اعتماد نکند. در چهارده سال گذشته، پاکستانی ها به تعهدات شان برای رساندن افغانستان به ثبات عمل نکرده اند و دولت وحدت ملی هم طعم تلخ رابطه عمیق با پاکستان را چشیده است. این که پاکستانی ها در این شب و روزها مکرر به کابل می آیند، خبر از حرف مهم، سیاست تازه و برنامه کلان دیگری از سوی این کشور در ارتباط با افغانستان و منطقه را می دهد.

به نظر می رسد که پاکستانی ها برنامه خاصی را در این سفرها دنبال می کنند که مردم و حتا بسیاری از سیاست مردان کشور از آن آگاهی ندارند. باید ارگ ریاست جمهوری، سیاست خارجی اش را شفاف بسازد و مردم را از نگرانی نجات دهد. ما بارها گفتیم و یک بار دیگر تأکید می کنیم که دولت افغانستان باید رابطه اش با پاکستان را تعریف کند و این بار آقای غنی و عبدالله به نخست وزیر پاکستان علنی بگویند که افغانستان زیر بار سیاست های دوپهلوی و غیرصادقانه نمی رود و هرگز قرار نیست افغانستان از سطح یک کشور مستقل، به سطح صوبه پنجم آن ها تقلیل یابد.

تحلیلگران:

# بار دیگر نباید فریب اسلام آباد را خورد

ناجیه نوری

رهبران دولت وحدت ملی، با استفاده از تجارب حکومت‌ها و رهبران پیشین افغانستان، فریب سفرها و وعده‌های میان‌تهی پاکستانی‌ها را نخورند.

شماره‌ی از تحلیل‌گران و نمایندگان مجلس سفر مقامات پاکستانی را ادامه فریب‌کاری‌های این کشور دانسته می‌گویند، مقامات پاکستانی با سفرهای پی در پی و وعده‌های تهی در صدد مصروف نگه‌داشتن حکومت افغانستان است تا تروریستان بتوانند در مناطق شمالی پایگاه‌های محکم‌تری ایجاد کنند.

آنان تأکید می‌کنند، نوازشریف و سایر مقامات پاکستانی با سفرهای متعددشان به افغانستان می‌خواهند مقامات افغانستانی را مصروف یک سلسله وعده‌های دروغین بسازند.

نوازشریف نخست‌وزیر پاکستان و دیگر مقام‌های بلند پایه این کشور روز سه شنبه ۲۰ اردیبهشت/جوزا به کابل رسیدند و با رییس‌جمهور اشرف غنی و رییس‌اجرای دیدار و گفت‌وگو کردند.

این هیأت در دیدار با رهبران حکومت وحدت ملی بیشتر بر روابط دو جانبه و همکاری راهبردی اسلام‌آباد به کابل تأکید و تمرکز کردند.

اما تحلیل‌گران سیاسی سفر شماری از مقامات پاکستانی را ادامه بازی‌های گذشته پاکستان برای سرگرم نگه‌داشتن حکومت افغانستان عنوان می‌کنند.

جعفر کوهستانی استاد دانشگاه کابل می‌گوید: «نوازشریف و سایر مقامات پاکستانی با سفرهای متعدّدشان به افغانستان می‌خواهند مقامات افغانستانی



را مصروف یک سلسله وعده‌های دروغین بسازند».

این استاد دانشگاه تأکید کرد: «مقامات پاکستانی برای اغفال کردن حملاتی که علیه طالبان در کندز، بدخشان و بغلان ادامه دارد، به کابل آمده‌اند تا حکومت افغانستان را با وعده‌های فریب‌کارانه مصروف کنند تا جنگ در شمال افغانستان به نفع تروریستان خاتمه پیدا کند».

استاد کوهستانی تأکید کرد: «از زمان حکومت کرزی تا اکنون پاکستان دو روی بازی می‌کند و همواره حرف و عملش یکی نیست و همیشه از طالبان حمایت کرده و می‌کند».

به گفته او، امیداری که دکتر نجیب از بی‌نظیر بوتو داشت تا امیدواری که حامد کرزی از نوازشریف داشت، همه به یاس مبدل شده و هیچگاه پاکستان در برابر افغانستان صادقانه عمل نکرده و نمی‌کند.

وی افزود، اما حکومت افغانستان با وجود آگاهی از این مساله بازم به آنان اعتماد کرده و وارد مذاکره و گفت‌وگو با آنان شده است.



این نماینده مجلس باور دارد که حتا رییس‌جمهور غنی در سفرهای خود به ترکیه، عربستان و چین تلاش کرد تا با فشار آوردن از طریق این کشورهای پاکستان را وادار کند تا دست از حمایت طالبان بردارد؛ اما چون پاکستان یک کشور «منافق‌مجزا» است؛ بنابراین این سفرها هم نتیجه در پی نداشت و پاکستان همچنان به حمایت از طالبان ادامه داد.

رحمانی گفت: «بالاخره افزایش حملات تروریستی سبب شد تا اشرف غنی به هند سفر کند و تلاش کرد



تا هند را متقاعد کند که مساله تروریسم برای هند هم خطرناک است و این مساله سبب امضا چند توافق نامه میان هند و افغانستان شد».

او افزود: «امضاء توافق‌نامه امنیتی و اقتصادی میان هند و افغانستان سبب نگرانی پاکستان گردید و دلیل سفر نوازشریف نخست‌وزیر و سایر مقامات پاکستانی هم همین مساله است که بگوید پاکستان رییس‌جمهور غنی را فریب نداده و تلاش می‌کند تا اعتماد مقامات افغانستان را به دست بیاورند».

اما گفته می‌شود که این سفر نخست‌وزیر پاکستان به افغانستان به منظور ایجاد روابط همکاری نزدیک با افغانستان صورت گرفته و به هدف توافق‌نامه دوجانبه میان دو کشور در گرمای بی‌سابقه‌ای، اعتماد متقابل و چشم‌انداز مشترک به خاطر ساخت یک منطقه‌ی صلح آمیز و با ثبات انجام شده است.

این سفر درحالی صورت می‌گیرد که در روزهای اخیر امیدواری‌ها برای آغاز گفت‌وگوهای صلح با طالبان و نقش پاکستان در این زمینه بیشتر شده است.

با این حال، عزیز رفیعی رییس مجتمع جامعه مدنی دلیل سفر نوازشریف به افغانستان را مصروف نگه‌داشتن حکومت افغانستان برای اقدام نکردن در برابر طالبان عنوان می‌کند.

او می‌گوید، مقامات پاکستانی با سفرهای پی در پی و وعده‌های تهی در صدد مصروف نگه‌داشتن حکومت افغانستان است تا تروریستان بتوانند در مناطق شمالی پایگاه‌های محکم‌تری ایجاد کنند.

به گفته رفیعی، در پاکستان سه حکومت عملاً حضور دارد: حکومت نظامی، سیاسی و مذهبی. حکومت سیاسی خواهان روابط سیاسی و اقتصادی با افغانستان است؛ اما حکومت نظامی و مذهبی همواره تلاش کرده تا افغانستان را از طریق حمایت گروه‌های تروریستی تضعیف کرده و خواهان نوع حاکمیت در افغانستان اند.

رییس جامعه مدنی تأکید کرد، ولی متأسفانه بخش نظامی پاکستان همواره پیش‌تاز و موفق بوده و توانسته تا حد زیادی با حمایت از گروه‌های تروریستی در افغانستان مشکلات جدی را ایجاد کند.

او تصریح کرد، اما خوشبختانه در این اواخر بخش نظامی این کشور، پاکستان را به عنوان یک کشوری که تروریسم را تولید می‌کند در جهان مطرح کرد و این مساله سبب شده تا بخش نظامی این کشور تضعیف شود.

او با انتقاد از حکومت گفت: «مشکل کلان افغانستان، تعریف نشدن سیاست خارجی و اقتصادی است و روابط ما همواره با افراد اشخاص بود نه با کشورها؛ بنابراین تا زمانی که سیاست مشخص خارجی تعریف نشود، این وضعیت همچنان ادامه خواهد داشت».

اما عارف رحمانی عضو مجلس نمایندگان می‌گوید: «سفرهای اشرف غنی به پاکستان در اوایل، یک دیپلوماسی صادقانه و تعریف مشروع از صلح و جنگ افغانستان بود».

وی تأکید کرد: «اشرف‌غنی در سفرهای خود به پاکستان تلاش کرد تا بتواند در یک گفت‌وگو شفاف، پاکستان را متقاعد کند که از حمایت گروه‌های تروریستی در افغانستان دست بکشد؛ اما متأسفانه چنین نشد».

## مسوولان امنیتی اتهامات ظاهر قدیر و لالی بر رییس مجلس سنا را رد کردند



چنین دیداری صورت نگرفته است. اتهام دیگر این بود که آقای مسلم یار در زمان کمپاین‌های انتخاباتی ریاست جمهوری قصد داشت یک حمله‌کننده انتحاری را به منظور حمله بالای آقای غنی در جلال‌آباد هدایت کند. فضل احمد شیرزاد فرمانده پولیس ننگرهار گفت: «چنین اطلاعاتی به ما رسیده بود؛ اما ما هیچ چیزی در ارتباط به اطلاع واصله بدست نیاوردیم».

محمدعلم ایزدیار معاون اول مجلس سنا که ریاست جلسه دیروز را برعهده داشت گفت که اتهامات وارده بر آقای مسلم یار از علاقه و رقابت‌های شخصی منشا گرفته و امیدوار است دیگر چنین اتفاقی نیافتد.

کابلپانک، حمله بالای یک بس استادان پولیس و حمله بالای انگیزه شبنواری از سوی آنان انجام شده است».

رییس امنیت ملی ننگرهار خاطر نشان کرد که این دو قضیه باهم خلط شده و افراد بازداشت شده با آقای مسلم یار و خانواده او هیچ گونه ارتباطی ندارند.

گفته‌های دیگر این بود که آقای مسلم یار با استفاده از مقام ریاست مجلس سنا، رییس شورای امنیت و رییس امنیت ملی را به خانه اش دعوت کرده و چای صبح را نیز با آنان صرف کرده و به همین ترتیب بالای این مقام‌ها فشار آورده است که قضیه را سرپوش بگذارند.

حسام الدین حسام معاون امنیت ملی این اتهام را رد کرد و گفت که

مجلس سنا، مقام‌های ولایت ننگرهار را در ارتباط به اتهام وارده بر فضل‌هادی مسلم‌یار رییس این مجلس فرا خواند.

حسام الدین حسام معاون ریاست عمومی امنیت ملی، حنیف گردیوال سرپرست ولایت، دادمحمد خان رییس امنیت ملی و فضل احمد شیرزاد فرمانده پولیس ولایت ننگرهار در پیوند به قضیه اتهام بر فضل‌هادی مسلم‌یار رییس مجلس سنا، به این مجلس فرا خوانده شدند.

ظاهر قدیر معاون اول مجلس و لالی حمیدزی عضو مجلس نمایندگان گفته بودند که قطعه «صفر-دو» بالای خانه یونس برادر مسلم یار عملیات کرده و یک نفر که با عاملان حملات انتحاری اخیر در این ولایت ارتباط داشتند را بازداشت کرده‌اند.

در همین حال، معاون ریاست عمومی امنیت ملی و مقام‌های محلی ننگرهار این اتهام که اعضای فامیل آقای مسلم یار با انتحاری‌ها ارتباط داشته‌اند را رد کردند.

حسام الدین حسام معاون امنیت ملی در سخنان کوتاهی گفت که موقف این ریاست را قبلاً از طریق سخنگوی امنیت ملی شنیده‌اید و لازم به تکرار دوباره آن نیست.

حنیف گردیوال سرپرست ولایت ننگرهار نیز گفت که ارگان‌های امنیتی هیچ‌گونه گزارشی که به اتهام اعضای خانواده آقای مسلم یار دلالت کنند را به مقام ولایت نداده‌اند.

اما دادمحمدخان رییس امنیت ولایت ننگرهار از دو عملیات جداگانه یاد کرد که به گفته او سوءتفاهمی در همین مورد به وجود آمده است.

داد محمد خان افزود: «عملیات اول: شب ۹/۱۰ ثور، قطعه صفر دو اطلاع یافت، یک نفری که گویا در اعمال تخریبی دست دارد، در خانه یونس که برادر آقای مسلم یار است، حضور دارد. قطعه، شب عملیات کرد، چون خانه منسوب دولتی بود نیروها پس از یک ساعت داخل خانه شده و یک نفر را بازداشت کردند و دو روز بعد این شخص را دوباره به ما تسلیم کرده و گفتند که این، شخص مورد هدف نبوده است».

او ادامه داد: «عملیات دیگر به تاریخ ۱۳ ثور در مسجد بلال ولسوالی بهسود انجام شد که دو نفر بازداشت شدند و پس از انکشاف قضیه سه نفر دیگر نیز گرفتار شدند که جمعا ۵ نفر می‌شود؛ اسناد و شواهدی در مورد موجود است و اعتراف کرده‌اند که حمله مقابل

بخش سوم و پایانی

بخش دهم

# پایان بازی



## چه گونه مرد محبوب مان را برای ازدواج راضی کنیم؟

**دوست مشترک تان را واسطه کنید**

برای دانستن این که آیا او هم علاقه‌ی به ازدواج با شما دارد یا خیر، می‌توانید از کسی که به او نزدیک است کمک بگیرید. دوست صمیمی او یا دوست مشترک تان می‌تواند نقش واسطه را ایفا کند. اما یادتان نرود که این واسطه باید بی طرف باشد و نسبت به ازدواج شما هم نظری مثبت داشته باشد. پرسش و صحبت در مورد ازدواج یا سؤال کردن در این مورد که آیا برای آینده تصمیمی داری یا نه، از مسوولیت‌های این واسطه است. برایش توضیح دهید که در این گفت‌وگو، نباید اشاره مستقیمی به شما داشته باشد.

**ریشه ترس‌هایش را پیدا کنید**

شاید او واقعاً به شما علاقه دارد و تنها به دلیل ترسش از ازدواج، توان برداشتن گام آخر را ندارد. برای مطمئن شدن از این موضوع، بهتر است واژه‌هایی که به زبان می‌آورد را زیر ذره‌بین بگذارید. کسی که می‌گوید «من اهل ازدواج نیستم اما چون تو را دوست دارم حاضرم برای همیشه با تو بمانم!» یا فرد مسوولیت‌پذیری نیست یا ترس‌هایی برای ازدواج دارد. اگر مورد اول مصداق داشته باشد، شما به ساده‌گی نمی‌توانید او را به سمت یک زنده‌گی موفق هدایت کنید. کسی که توان پذیرفتن مسوولیت را ندارد، حتی اگر با اصرار شما به خانه مشترک وارد شود، نمی‌تواند زمینه یک زنده‌گی موفق و آرام را فراهم کند. پس گمان نکنید که همه ماجرا به نشستن پای سفره نکاح ختم می‌شود. زنده‌گی با یک فرد بی مسوولیت، از انتظار برای به دست آوردن او هم زجرآورتر است.

**خیال‌بافی نکنید**

اگر مردی که دوستش دارید تأکید می‌کند که با وجود دوست داشتن شما قصد ازدواج ندارد، ماندن و منتظر شدن ریسک بزرگی خواهد بود. به جای نادیده گرفتن نشانه‌ها و امید بستن بی‌دلیل، تکلیف‌تان را با او مشخص کنید. اگر او از دادن جواب صریح به شما طفره می‌رود، بیشتر مراقب باشید! شاید پای یک بازی در میان است و این فرد تنها می‌خواهد زمان بیشتری را در کنار شما صرف کند. برخی از مردها نه حاضر به پذیرفتن مسوولیت ازدواج هستند و نه حاضرند از طرف مقابل جدا شوند.

**باچ ندهید**

گمان نکنید اگر یک‌تنه بار رابطه را به دوش بکشید و به او اطمینان دهید که همه سختی‌ها را تحمل می‌کنید، ماجرا تغییر می‌کند. دیدن ضعف و اصرارهای شما، می‌تواند دلیل دیگری برای عقب‌نشینی او باشد. پس مواضع‌تان را شفاف بیان کنید و به او بگویید که در چه شرایطی حاضر به ازدواج هستید. گمان نکنید که برداشتن مرزها و حریم‌های یک رابطه یا فداکاری بیش از حد، مشکل شما را حل می‌کند.

منبع: پرشین‌پرشیا



فهییم دشتنی

دور و نزدیک، انجام شد که گاهی تنها با موفقیت‌های مقطعی همراه بود و تأثیری در پایان بخشیدن آن جنگ‌ها نداشت. حتا در زمان اشغال بخش‌های عمده افغانستان از سوی گروه طالبان نیز گفت‌وگوهایی با هدف تأمین صلح میان نمایندگان طالبان و جبهه مقاومت یا همان تهمانده دولت مجاهدین، از طریق هیأت‌های صلح کشورهای منطقه صورت گرفت؛ ولی نتیجه نداد. یکی از مشهورترین این گفت‌وگوها، مذاکراتی بود که از سوی «رابین رافائل» معاون وزارت خارجه ایالات متحده به پیش برده می‌شد. در یکی از این گفت‌وگوها که در «استالف» در شمال کابل انجام شد، رافائل از احمدشاه مسعود خواسته بود که از جنگ دست برداشته و تسلیم طالبان شود. احمدشاه مسعود جمله مشهورش «اگر به اندازه کلامم در افغانستان جای داشته باشم، می‌ایستم و از سرزمین و مردمم دفاع می‌کنم» را در همین دیدار به رافائل گفته بود.

در سال‌های پس از سقوط طالبان، به‌ویژه از زمانی که طالبان دوباره قدرت گرفتند (اواخر ۲۰۰۵ به بعد) بارها تلاش شد که با طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی، گفت‌وگوهایی به هدف صلح به پیش برده شود: دیدارهای مکرر رییس جمهور کرزی با مقامات پاکستان، خواست‌های پی‌هم وی برای میانجی‌گری از سعودی در این ماجرا، تلاش‌های به‌ظاهر صلح‌جویانه مقامات امریکایی که باز کردن دفتر طالبان در قطر یکی از نمونه‌های آن است، ایجاد ساختارهایی به نام کمیسیون صلح یا شورای عالی صلح و موارد دیگری که هیچ‌کدام دریچه کوچکی را هم برای صلح نگشودند.

حالا و پس از ایجاد دولت وحدت ملی، یک بار دیگر سخن از گفت‌وگوهای صلح و امکان موفقیت آن بر سر زبان‌هاست و این بار به نظر می‌رسد که زمینه‌های بهتر برای آغاز گفت‌وگوهای صلح و نتیجه گرفتن از آن، به میان آمده است.

یکی از بارزترین نشانه‌های امکان موفقیت گفت‌وگوهای صلح، موضع جدید پاکستان در این باره است، که هرچند هنوز از نظر بسیاری از افغانستانی‌ها صادقانه نمی‌نماید و بیشتر به عنوان یک بازی جدید تلقی می‌شود، در واقع یک تغییر موضع استراتژیک است. (در بخش عوامل منطقه‌ی که در مورد نقش پاکستان با تفصیل جزئیات ارایه خواهد شد، به این تغییر استراتژیک پرداخته می‌شود).

نیروهایش از افغانستان تن نخواهد داد؛ بلکه شماری از متحدینش را نیز وادار به ادامه حضور نظامی در افغانستان خواهد ساخت. ثبات و امنیت در افغانستان به سرعتی که ما پس از نزدیک به نیم قرن درگیری به آن نیاز داریم، تأمین نخواهد شد؛ ولی به اندازه‌ی که اکثر افغانستانی‌ها باور دارند، کند هم نخواهد بود. نیم قرن بی‌ثباتی و خون‌ریزی، افکار افغانستانی‌ها را آماده این ساخته است که حداقل دو سه دهه دیگر تا رسیدن به ثبات و امنیت انتظار بکشند. تازه این‌که با ظهور گروهی به نام داعش، برخی از مردم از همین حالا خود را آماده یک دور جدید خشونت و خون‌ریزی می‌سازند و فکر می‌کنند که جنگ سوم تحمیلی در راه است؛ در حالی که پای داعش به این منطقه دنیا کشانده نخواهد شد. هرچند همین حالا گزارش‌هایی وجود دارد که در فلان و فلان منطقه افغانستان داعش جای پا باز کرده و قصد دارد که از مسیر افغانستان به سوی آسیای میانه برود، و داعشی‌ها هم به گونه‌ی می‌خواهند این مسأله را تبلیغ کنند، اما همه این‌ها غیر واقعی‌اند و مصرف تبلیغاتی دارند.

داعش پروژه‌ی بی‌ست که هدف و ساحه عمل آن مشخص است و کاری به منطقه ما ندارد. در مورد داعش، اهداف آن و امکان حضور یا عدم حضور این گروه در منطقه ما، جزئیات مفصلی در بخش‌های دیگر این نوشته خواهد آمد.

به این ترتیب، امکان احیای ثبات و امنیت در افغانستان، بیش از هر زمان دیگری میسر شده است.

**۶-۱ صلح**

در جنگ‌های حدود نیم قرن اخیر، بارها تلاش‌های صلح از سوی طرفین درگیر انجام شده که تقریباً هیچ‌کدام موفقیتی به همراه نداشته است. یکی از نخستین نمونه‌های این گونه تلاش‌ها، طرح «مصالحه ملی» حکومت داکتر نجیب‌الله در اواخر دهه هشتاد میلادی با گروه‌های مجاهدین بود؛ طرحی که از یک‌سو به دلیل ضعف حکومت نجیب‌الله و امکان سقوط آن و از سوی دیگر به دلیل مخالفت‌های برخی از گروه‌های مجاهدین و کشورهای همسایه حامی آن‌ها، با بن‌بست مواجه شد.

در جریان جنگ‌های دولت مجاهدین در اوایل دهه نود نیز تلاش‌هایی با هدف ایجاد صلح میان گروه‌های درگیر، چه از سوی شماری از خود این گروه‌ها یا کشورهای

بازی خونین و پیچیده‌ای که نزدیک به نیم قرن در جغرافیایی به نام افغانستان جریان داشت، به پایان خود نزدیک است. این بدان معنا نیست که پایان این بازی به‌زودی و بدون مانع و چالش اتفاق خواهد افتاد؛ ولی این نکته روشن شده که پایان این بازی آغاز گردیده و رفته‌رفته، شدت و سرعت می‌یابد و بالاخره به انجام می‌رسد.

این نوشته یک تحقیق نیست که بر مبنای امار و ارقام یا منابع و اطلاعات ثبت شده، استوار باشد؛ بلکه با توجه به معلومات موجود و قابل دسترس برای همه، در ابعاد مختلف، یک تحلیل از وضعیت کنونی و آینده احتمالی افغانستان در پیوند به مناسبات داخلی، نقش‌آفرینی در منطقه و حضور در خانواده جهانی است که نه به عنوان یک پیش‌گویی، بلکه به مثابه یک پیش‌بینی (با تأکید بر تفاوت پیش‌گویی و پیش‌بینی) مطرح می‌شود.

قابل ذکر است که در بخش‌هایی از این نوشته، پرسش‌هایی در ذهن مخاطب ایجاد می‌شود که عمدتاً با اشاراتی به بخش‌های دیگر تلاش خواهد شد پاسخ‌ها ارایه شوند؛ ولی یک تصویر جامع، تنها در صورتی به دست می‌آید که از آغاز تا پایان، به این نوشته به عنوان یک تحلیل واحد نگریسته شود.

این تصور که امریکا بر اساس طرح‌های اعلام شده، به کاهش شدید نیروهایش در افغانستان خواهد پرداخت و پس از چند سال معدود، حضور نظامی‌اش را در افغانستان پایان خواهد داد، نادرست است. قدرت‌های بزرگ، برنامه‌های خود را برای چندین دهه طرح می‌کنند و هرچند ممکن است همه چیز بر وفق مرادشان نباشد، ولی همان برنامه را با انعطاف‌پذیری دنبال می‌کنند و از آن به‌ساده‌گی دست نمی‌کشند.

امریکا نه تنها خود به بیرون کردن کامل



# زبان مدرنیته

و حساسیت را بسیار بیشتر کرد. آن رویداد آشنا شدن باغلام حسین مصاحب و پروژه دایره‌المعارف فارسی بود که در مؤسسه انتشارات فرانکلین انجام می‌شد. در سال ۱۳۳۹، من دانشجوی «دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی» در دانشگاه تهران بودم و مصاحب می‌خواست دو همکار جوان برای کار در دایره‌المعارف بیابد. با معرفی دوستام، ابراهیم مکلا که او هم دانشجوی همان دانشکده بود و در دایره‌المعارف کار می‌کرد، من و فریدون بدره‌ای، با دادن امتحانی در ترجمه از انگلیسی، پذیرفته شدیم. کار کردن در دایره‌المعارف زیر نظر مصاحب و آشنا شدن با کار علمی جسورانه و نوآورانه‌یی که او می‌کرد، برای ذهن جوان من سخت آموزنده و انگیزنده بود. دوران نزدیک به دوساله‌یی که من آن‌جا کار کردم، بیش از تمام دوره درس دبیرستانی، دانشگاهی و دوره دکتری‌یی که ناتمام رها کردم، برایم آموزنده بود. یکی از جنبه‌های بسیار اساسی کار مصاحب، اندیشیدن به مسایل زبانی و به‌ویژه حوزه‌ی ترم‌شناسی در زمینه علوم ریاضی، طبیعی، انسانی و مسایل عام واژه‌گانی برای برگرداندن مقاله‌ها از انگلیسی به فارسی بود. آن‌جا بود که من با گستره عظیم واژه‌گان مدرن و تنگناهای زبان فارسی برای برگردان آن آشنا شدم. این آشنایی تخم کنجکاوی و راهیابی‌یی را در ذهن من کاشت که در دهه‌های بعد هرچه ریشه‌دارتر و نیرومندتر شد.

در همان دوران که هنوز دانشجو بودم، با دانش و تجربه‌یی

عنوان فرهنگ علوم انسانی با دو ویراست تا کنون منتشر شده است و ویراست سوم آن را هم در دست دارم. اخیراً کتابی از شما به نام «زبان باز؛ پژوهشی درباره زبان و مدرنیته» از سوی نشر مرکز منتشر شده که در واقع عصاره تأملات چهل‌ساله شما درباره مسأله زبان است. خواهشمندم اندکی درباره دو مفهوم کلیدی این کتاب، «زبان باز» و «مدرنیته»، و رابطه میان این دو توضیح دهید. مُراد من از زبان باز، از سویی، زبان توسعه‌پذیر از نظر دستگاه واژگانی‌ست با به کار بردن توانمندی‌های صرفی، اشتقاقی و ترکیب‌ساز زبان، و از سوی دیگر، باز بودن به روی زبان‌های دیگر برای وام‌گیری واژه‌ها یا مایه‌های واژگانی، و نیز توانایی انتقال مفاهیم‌های تازه از زبان‌های دیگر به فضای خویش. نسبت زبان باز با مدرنیته از آن جهت است که مدرنیته، یک پروژه شناخت بی‌نهایت است. اگر به گستره عظیم و بی‌امان شناخت علمی در قلمرو علوم طبیعی و علوم انسانی با شاخه‌های بسیارشان و همچنین علوم ریاضی، فلسفه، منطق، هنرشناسی و ادبیات‌شناسی، و نیز قلمرو فناوری، که با علوم کاربردی رابطه‌یی تنگاتنگ یافته است، نظری بیندازیم، به‌روشنی می‌بینیم که اگر بنا بود زبان‌هایی که بستر این دستاوردها هستند، در فضای بوم‌گوشی پیشامدرن خود می‌ماندند، هرگز نمی‌توانستند بستر چنین دستاوردی باشند. آن دستاوردها نیز بی این بستر زبانی نمی‌توانست فراچنگ آید. پس زبان مدرنیته، ناگزیر زبان باز است.

به مسایل خاص توسعه زبان و مدرن‌گری آن می‌پردازد. همچنین روش‌های پیشنهادی من برای توسعه واژگان علوم انسانی را با درنگ در شگردهای پیشنهادی و کار تکنیکی اشتقاقی و ترکیبی با مایه‌های گسترده‌تر زبانی در متن آن فرهنگ می‌توان دید. در کتاب‌زبان باز، نشان دادن تنگناهای فنی زبان‌های تحلیلی برای ساخت‌وپرداخت واژگان ترکیبی و اشتقاقی و همچنین رابطه زبان و زیست‌بوم فرهنگی آن، در حقیقت، همدارایی‌ست به فارسی‌زبانان که زبان‌شان یک زبان تحلیلی وابسته به زیست‌بوم فرهنگی پیشامدرن است. یعنی برای مدرن‌گری خود و کارآمدی در این پهنه هم تنگناهای زبانی و هم تنگناهای فرهنگی دارد. کتاب زبان باز با پی‌گیری و طرح چه‌گونه‌گی بالیدن زبان‌ها در بستر پیدایش مدرنیته، می‌خواهد درامدی باشد به اندیشیدن به این هر دو وجه زبان ما. باری، در ویرایش دیگری از این کتاب در نظر دارم مسایل زبان فارسی را از این دیدگاه جمع‌بندی کنم.

**زبان‌نگاره (دبیره یا خط) تا چه میزان بر باز بودن زبان تأثیر دارد؟**

زبان‌نگارها هم می‌توانند در چهره‌بخشی تاریخی به زبان‌ها اثرگذار باشند. پراکنش زبان‌نگاره لاتینی در اروپا و ترانویسی واژگان یونانی به آن از روزگار باستان، جذب واژگان این دو زبان را در زبان‌های مدرن بسیار آسان کرده است (البته رابطه تاریخی و فرهنگی با آن دو زبان را هم نباید فراموش کرد). همچنان که یکی بودن

## گفت‌وگو با داریوش آشوری درباره زبان، مدرنیته و چالشی زبان فارسی با دنیای مدرن

### بخش نخست

اندیشیدن به معنا و ماهیت مدرنیته از سویی، و گرفتاری ما در چنبره رابطه با آن از دگرسو، ذهن و ضمیر بسیاری از روشن‌فکران فارسی‌زبان را به خود مشغول کرده است. یکی از این روشن‌فکران داریوش آشوریست که تأثیر چند دهه‌یی حضور او در فضای روشن‌فکری ایران غیرقابل انکار است. داریوش آشوری کوشش‌های نظری خویش را در مکتب زنده‌یاد خلیل ملکی آغاز کرد و با گذر از کنش‌های سیاسی، اجتماعی، ادبی و فلسفی، اکنون در «خانه وجود» یعنی عرصه زبان، به تعبیر مارتین هایدگر، به‌سر می‌برد و کوششی خسته‌گی‌ناپذیر از دهه‌های پیش برای بالا بردن سطح گفت‌وگویی درباره مباحث زبانی در ایران آغاز کرده که کتاب‌هایی چون فرهنگ علوم انسانی، بازاندیشی زبان فارسی و زبان باز دستاورد این کوشش‌ها و کنش‌هاست.

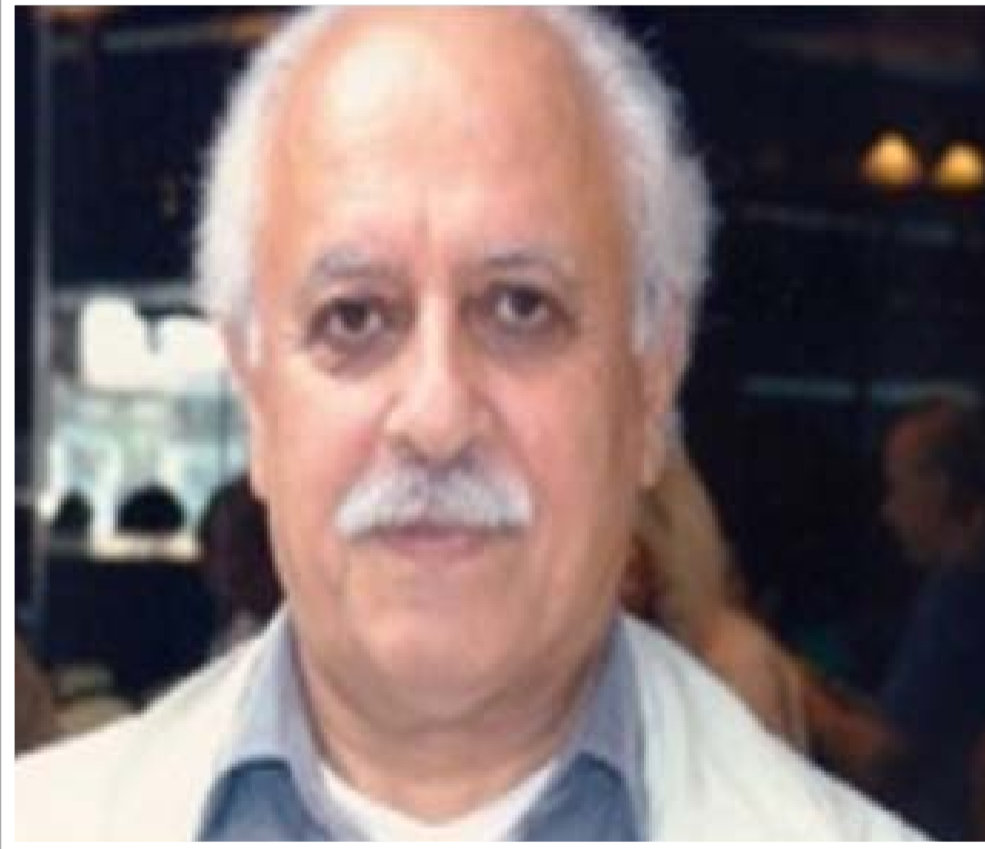
به‌هر روی، می‌توان با دیدگاه‌های آشوری موافق بود یا مخالف؛ ولی هرگز نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت. در دنباله، گفت‌وگوی مسعود لقمان را با داریوش آشوری درباره زبان، مدرنیته و چالش زبان فارسی با دنیای مدرن می‌خوانید.

\*\*\*

**نزدیک چهار دهه است که داریوش آشوری، بخش اعظم کوشش‌ها و کنش‌های روشن‌فکرانه خویش را معطوف مسأله زبان کرده است. این همه حساسیت به موضوع زبان از چه روست؟**

حساسیت من به زبان از سال‌های کودکی آغاز شد. همین که در شش‌سالگی به دبستان رفتم و خواندن و نوشتن پایه‌یی را آموختم، کنش شدیدی به خواندن یافتم. از سال دوم دبستان، روزنامه‌خوانی را آغاز کردم. در آن زمان کتاب‌های ویژه برای کودکان وجود نداشت. از این‌رو، در سال‌های کودکی آن‌چه از ادبیات فولکلوریک به‌دست می‌آمد، از قصه خاله سوسکه تا طوطی‌نامه و رستم‌نامه را می‌خواندم تا رسیدم به ترجمه‌های رمان‌های اروپایی. با آغاز نوجوانی و پا گذاشتن به دبیرستان، که دوران پُرشور سیاسی با دولت مصدق بود، به فعالیت سیاسی و حزبی پرداختم و در جوار ادبیات، روزنامه و کتاب درباره مسایل سیاسی بسیار می‌خواندم و هرچه بیشتر به سوی مسایل نظری سیاست و فلسفه سیاسی نیز کشیده می‌شدم. در من استعداد شاعرانه‌یی هم بود (که خوش‌بختانه آن را مهار کردم). به شعر فارسی هم بسیار دل‌بسته بودم. در همان سال‌های نوجوانی به خاطر حافظه خوبی که داشتم، صدها بیت شعر از بزرگان ادبیات فارسی و قطعه‌های بلند، از شاهنامه گرفته تا بوستان سعدی و غزل‌های حافظ را از بر داشتم. کنش من به شعر و استتیک زبان ۳ از سویی، و کنجکاوی در مسایل نظری سیاسی، علمی و فلسفی از دوران نوجوانی از سوی دیگر، بالطبع باید جایی با هم درآمیخته می‌شد.

در دوران دبستان و دبیرستان استعداد نویسنده‌گی و کنش به آن در من نمایان شد. از ۱۹ سالگی به قلم زدن در مطبوعات پرداختم. آموختن زبان انگلیسی و مطالعه در قلمرو علوم سیاسی و فلسفه به آن زبان و دست بردن به ترجمه هم حساسیت مرا به زبان و چندوچون آن افزون‌تر کرد. اما یک رخداد بزرگ در زنده‌گی من، این توجه



زبان‌های انگلیسی و فرانسوی مدرن به دلیل باز بودن به روی زبان‌های کلاسیک لاتینی و یونانی، نه تنها پیشوندها و پسوندها و ستاک‌های آن زبان‌ها را از راه گسترش زبان‌مایه علمی در خود جذب کرده‌اند، بلکه از این راه توانسته‌اند ساختارهای ترکیبی آن زبان‌ها را نیز بر ساختار تحلیلی یا کم‌ترکیب‌پذیر خود سوار کنند و از آن بی‌نهایت بهره بگیرند. واژگان آن زبان‌ها و توان ترکیبی‌شان، به صورت کوشا و کارآمد، بخشی از ساختار امروزی این زبان‌هاست. البته، باز بودن این زبان‌ها به روی زبان‌های یکدیگر و زبان‌های دیگر و توان بی‌نهایت برای جذب واژگان از آن‌ها، به ویژه در مورد زبان انگلیسی، به این زبان‌ها امکان توسعه بی‌نهایت داده است.

**زبان باز که به گفته خودتان «دستاورد نهایی کار پژوهشی و اندیشه‌یی شما درباره زبان فارسی‌ست، بیشتر استوار بر رابطه مدرنیته و زبان‌های مدرنی چون انگلیسی، فرانسه و آلمانی‌ست تا رابطه زبان ما و مدرنیته. چرا با وجود این خلا، شما این کتاب را دستاورد نهایی تأملات خود می‌دانید؟**

البته به دلیل خسته‌گی زیاد، بخش بررسی زبان فارسی را در این کتاب تمام نکرده‌ام و برای فرصت دیگری گذاشته‌ام، اما پیش از این، دو کتاب دیگر هم منتشر کرده‌ام و در آن‌ها به نقد تاریخی زبان فارسی و تنگناهای آن در رابطه با تمدن مدرن پرداخته‌ام. بازاندیشی زبان فارسی به نقد و ارزیابی تاریخی این زبان می‌پردازد؛ اما چند مقاله هم درباره بی‌جویی روش‌های توسعه این زبان از راه بهره‌گیری از توانمندی‌های اشتقاقی و ترکیبی آن دارد. «درآمد» پنجاه صفحه‌یی کتاب فرهنگ علوم انسانی نیز

زبان‌نگاره فارسی و عربی راه ورود بی‌پایان واژه‌های عربی را به فارسی هموار کرده بود. ترکان که زبان‌نگاره لاتینی را پذیرفته‌اند، واژه‌های زبان‌های اروپایی را در زبان خود بسیار آسان‌تر از ما و اعراب می‌پذیرند.

**«زبان باز» طبعاً به‌سان «جامعه باز» دشمنانی دارد. دشمنان زبان باز کیستند؟**

همان دشمنان جامعه باز!

**تقلیل مسأله عقب‌مانده‌گی ما به مسأله باز نبودن زبان، آیا نوعی تقلیل معنا نیست؟ به باور من، مشکل ما بیشتر در ساحت اندیشه است تا زبان. مثلاً با این که زبان رسمی اکثر کشورهای افریقایی یکی از زبان‌های بستر مدرنیته، به ویژه، فرانسوی‌ست، بنا بر زاویه‌یی که شما مسأله را طرح می‌کنید، نباید مسأله عقب‌مانده‌گی می‌داشتند؛ چرا که از یک زبان باز برخوردارند. بنا بر این، آیا فروکاست مسأله ما به مسأله‌یی صرفاً زبانی، ما را به بی‌راهه نمی‌کشاند؟**

طرح مسایل زبانی هرگز به معنای فروکاستن همه مسایل به مسأله زبان نیست، بلکه تأکید بر اهمیت مسأله زبان در میان دیگر مسایل است. زبان‌ها همه‌گی، در پایه، زبان گذران زنده‌گی، و راجی یا ابزار برآوردن نیازهای روزانه‌اند و از این جهت چندان فرقی میان زبان فرانسوی و انگلیسی و زبان قبیله‌های افریقایی یا هر جای دیگر نیست. مسأله، ساحت کاربردی زبان و درجه کارآمدی و پرورده‌گی آن برای مرتبه‌های عالی‌تر علمی، ادبی و نظری‌ست. دانستن یک زبان در ساحت پایه‌یی برای گذران زنده‌گی، با دانستن آن در ساحت عالی علمی و ادبی، هم از نظر کیفیت و هم کمیت، بسیار تفاوت دارد. برای رسیدن به ساحت عالی باید در محیط درست پرورش جای داشت و سال‌ها دانش‌آموزی کرد و به قول قدها، دود چراغ خورد تا به جایی رسید.

فکر، به معنای فکر علمی، فلسفی و منطقی، یا اندیشه گفت‌وگویی در ساحت عالی، بی‌زبان سنجیده و ورزیده کارآمد و پرورده در دامان سنت دیرپا نمی‌تواند وجود داشته باشد. هر کسی هر زبانی را در هر ساحتی نمی‌تواند به کار برد و هر زبانی نیز شایستگی و توانایی کاربرد در هر ساحتی از علم و اندیشه و ادبیات را ندارد. بنا بر این، اندیشیدن به زبان به بی‌راهه رفتن نیست، بلکه راه‌گشایی برای اندیشه سنجیده در هر زمینه است. با هر زبانی می‌شود و راجی کرد یا حرف‌های گنگ و بی‌معنا، چه بسا به نام علم، فلسفه و ادبیات زد؛ اما آفرینش علمی و فلسفی، همچنان که ادبی، در ساحت عالی با هر زبانی ممکن نیست. از جمله، چنان‌که می‌دانید ترجمه دستاوردهای عالی اندیشه، علم و ادبیات از یک زبان بالیده پُرمایه به زبانی تنگ‌مایه ناممکن است. بسیاری زبان‌ها در این زمینه‌ها «طوطیانه» رفتار می‌کنند و از سر تقلید، چیزهایی را بازگو می‌کنند که به‌راستی از آن ایشان و سخن‌گویان‌شان نیست. پرورده‌ترین و کارآمدترین زبان‌ها نیز می‌توانند طوطیانه به کار روند؛ اگر که ذهن پرورده اندیشنده در پس پست‌شان نباشد.

نواز شریف به رهبران دولت وحدت ملی در کابل:

# با تمام قوت در پشتان ایستاده ایم

کشورش آماده است در این راستا از هیچ اقدامی دریغ نوزد. داکتر عبدالله با استقبال از صحبت های نخست وزیر پاکستان گفت: تروریزم خطر مشترکی است که هر دو کشور و صلح و ثبات منطقه یی و جهانی را تهدید می کند. افغانستان نیز در این عرصه آماده همکاری با پاکستان است. اقداماتی در این راستا صورت گرفته و امیدوارم گام های عملی بیشتری برداشته شود.

رییس اجرایی برای آغاز همکاری های بیشتر میان دو کشور در عرصه اقتصادی به طرف پاکستان پیشنهاد نمود تا کار بالای اعمار بند برق دریای کنر آغاز گردد. رییس اجرایی از برنامه های TAPI و CASA یاد نموده گفت: عملی شدن این برنامه ها می تواند برای رشد اقتصادی و همگرایی منطقه ای مفید واقع گردد. رییس اجرایی همچنان علاوه نمود: طبق توافقنامه های قبلی برنامه اعمار خط ریل در شهرهای مرزی میان دو کشور برای تقویه هرچه روابط اقتصادی آغاز گردد.

رییس اجرایی همچنان از نخست وزیر پاکستان خواست تا ضرب الاجل بیرون شدن مهاجرین از پاکستان را تمدید نماید تا برنامه ریزی لازم در این



اشرف غنی رییس جمهور افغانستان با نخست وزیر پاکستان در کابل ملاقات کرد. نواز شریف در این دیدار از کابل گفت که دو کشور «عملیات هماهنگ شده» علیه شورشیان در امتداد سرحد راه اندازی می کنند.

نواز شریف نخست پاکستان در راس یک هیأت عالی رتبه دولتی روز سه شنبه (۲۲ ثور/ ۱۲ می) وارد کابل شد و با اشرف غنی رییس جمهور و عبدالله عبدالله رییس اجرایی حکومت افغانستان دیدار کرد.

نواز شریف را در این سفر شماری از مقام های ارشد پاکستانی به شمول راحل شریف رییس ستاد ارتش و سرتاج عزیز مشاور امنیت ملی همراهی می کردند.

ریاست جمهوری افغانستان گفته است که رهبران دو کشور در این دیدار راجع به مسایل امنیتی و گسترش همکاری های اقتصادی گفت و گو کرده اند.

نخست وزیر پاکستان در یک کنفرانس خبری مشترک با رییس جمهور افغانستان گفت که در این دیدار روی تهدیدات مشترک و فرصت های پیش رو صحبت شده و توافق صورت گرفت که ثبات و صلح در منطقه به نفع هر دو کشور است.

رییس جمهور غنی در یک کنفرانس خبری مشترک با نواز شریف گفت که دو کشور با خطرات مشترک مواجه اند و «تروریسم خوب و بد وجود ندارد». براین اساس غنی گفت که «همه ما باید به صورت مشترک در مقابل این خطرات ایستاد شویم».

نخست وزیر پاکستان از عملیات طالبان در افغانستان ابراز نگرانی کرد و گفت که کشورش با شدیدترین لحن ممکن این حملات طالبان را محکوم می کند. شریف از یک حمله هماهنگ شده علیه شورشیان در امتداد سرحد مشترک خبر داد و گفت: «عملیات های هماهنگ شده راه اندازی خواهند شد و ما برای پاکسازی شورشیان در امتداد سرحد همکاری دوجانبه خواهیم داشت».

هرچند خبرگزاری ها گزارش داده بودند که مذاکرات صلح با طالبان در صدر آجندای رییس جمهور افغانستان و نخست وزیر پاکستان قرار دارد، اما هر دو سیاستمدار در کنفرانس خبری در این رابطه چیزی نگفته و از خبرنگاران نیز سوال نگرفتند.

اشرف غنی گفت که معیار دوستی این است که در شرایط خراب یکی در کنار یک دیگر ایستاد شوند: «و در این شرایط امید ما این است که ما به حیث دو دوست و دو دولت، شرایط ثبات را در منطقه به وجود بیاوریم، مقابل خطرات مشترک به وضاحت ایستاد شویم و اعلام کنیم که دشمنان افغانستان دشمنان پاکستان هستند و برعکس». نخست وزیر پاکستان اطمینان داد که «دشمن افغانستان نمی تواند دوست پاکستان باشد». او در عین زمان گفت که کشورش در برنامه مذاکرات صلح زیر رهبری افغان ها همکاری می کند.

با وجود این، یونس فکور تحلیلگر مسایل سیاسی افغانستان می گوید که برعلاوه این مسایل، پاکستان از توافقنامه بندری که میان ایران و هندوستان امضا شده است نگران است. این توافقنامه می تواند یک راه بدیل ترانزیتی برای افغانستان نیز فراهم کند. همچنین، نخست وزیر پاکستان پس از چاشت روز گذشته با داکتر عبدالله عبدالله رییس اجرایی دولت وحدت ملی دیدار و گفت و گو کرد.

نواز شریف در دیدار با رییس اجرایی گفت: در دوره های مختلف نخست وزیری ام مجدانه تلاش کرده ام روابط

دوستانه میان دو کشور استحکام و گسترش یابد. نخست وزیر پاکستان افزود: هر دو کشور افغانستان و پاکستان قربانی تروریزم و دهشت افگنی اند. این پدیده باعث بی ثباتی در منطقه گردیده و بر اقتصاد و زنده گی مردم تأثیر منفی گذاشته است.

نواز شریف افزود: تروریزم در هر دو کشور باید خاتمه یابد و ما در نبرد با دهشت افگنی در کنار افغانستان با تمام قوت ایستاده ایم. نخست وزیر پاکستان علاوه نمود: پاکستان علیه تروریست ها و پایگاه های آنان در خاک پاکستان عملیات گسترده یی را راه اندازی نموده و این حملات همچنان به شدت ادامه دارد.

محمد نواز شریف نخست وزیر پاکستان با تاکید گفت: به عنوان نخست وزیر پاکستان آمده ام تا اطمینان دهم که در این شرائط دشوار در کنار افغانستان ایستاده ایم.

نخست وزیر پاکستان با اشاره به روند صلح گفت: کشورش متعهد است افغانستان را در استقرار صلح و ثبات با تمام قوت کمک نماید. موضع خود را به صورت روشن برای طالبان بیان کرده ایم و طالبان و دیگر گروه های تروریستی گزینه یی جز صلح ندارند. نخست وزیر ابراز امیدواری نمود که روابط نیک میان دو کشور استحکام بیشتر یابد و

زمینه به همکاری هر دو کشور صورت گیرد. نخست وزیر پاکستان وعده سپرد کشورش در مورد اعمار بند برق دریای کنر به عنوان برنامه مشترک هر دو کشور اقدامی کند و از نیاز به برق و گاز به عنوان نیاز هر دو کشور یاد نمود. نخست وزیر پاکستان افزود: عملی ساختن برنامه های TAPI و CASA می تواند به رشد اقتصادی و ثبات هر دو کشور و آسیای میانه کمک نماید. نخست وزیر پاکستان همچنان وعده سپرد که ضرب الاجل تعیین شده در برای اخراج مهاجرین تمدید می گردد تا زمینه برگشت آبرومندان مهاجرین فراهم گردد.

در پایان نشست نخست وزیر پاکستان یکبار دیگر از رییس اجرایی جمهوری اسلامی افغانستان دعوت رسمی دیدار از پاکستان را مطرح نمود که از سوی رییس اجرایی پذیرفته شد.

این سفر در حالی صورت می گیرد که تحلیلگران به وعده های رهبران پاکستانی باور ندارند. آنان می گویند که حرف و عمل پاکستانی ها یکسان نیست. به گفته این تحلیلگران، رهبران پاکستانی بار دیگر در صدد فریب حکومت افغانستان هستند.

## سه میلیون تن در افغانستان مواد مخدر مصرف می کنند



و باید برای جلوگیری از افزایش معتادان مواد مخدر، استراتژی ها و برنامه های جدیدی وضع شود. با این حال، ویلیام برون د فیلد تولید مواد مخدر را یک مشکل جهانی توصیف کرده گفت که ایالات متحده امریکا و دیگر کشورهای غربی علاقمند هستند تا در راستای از بین بردن زمینه های تولید مواد مخدر با دولت افغانستان همکاری جدی داشته باشند. به گفته ی آقای برون د فیلد، از بین بردن زمینه های تولید مواد مخدر در افغانستان یک مسئولیت بین المللی است و باید در این زمینه استراتژی موثری تدوین شود.

را جدی نگرفته اند بلکه این مساله تحت تاثیر مسایل امنیتی قرار گرفته است. آقای فیروز تاکید کرد که هر چند ظرفیت های فعلی برای تداوی معتادان به مواد مخدر ناچیز است، اما دولت در نظر دارد از افزایش شمار استفاده کننده گان مواد مخدر در کشور جلوگیری کند. آقای فیروز افزود که در حال حاضر ۲۵۰۰ بستر برای تداوی معتادان مواد مخدر در کشور فعال است و قرار است این بسترها افزایش یابد. به گفته ی وزیر صحت عامه، استراتژی بستری ساختن معتادان نتیجه یی مناسب نداده

آن است که با وجود دست آوردهای فعلی در عرصه کاهش تقاضا به مواد مخدر، این کشور به تعهدات هر چه بیشتر و جدی تری نیاز دارد تا پدیده شوم اعتیاد را از کشور عزیز ما برچینیم». براساس تحقیقی که در سال ۲۰۰۵ میلادی انجام شده بود، شمار معتادان به مواد مخدر در افغانستان به ۹۲۰ هزار نفر می رسد. این رقم در سال ۲۰۰۹ به بیش از یک میلیون و در سال ۲۰۱۴ میلادی به ۱٫۶ میلیون نفر رسیده است.

ویلیام برون د فیلد معاون وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا در امور بین المللی مبارزه با مواد مخدر و تنفیذ قانون، در این کنفرانس گفت که بیشتر استفاده کننده گان مواد مخدر از نوع هیرویین کار می گیرند. آقای برون د فیلد افزود که در میان استفاده کننده گان مواد مخدر در افغانستان شمار قابل ملاحظه یی کودکان نیز شامل هستند.

داکتر فیروزالدین فیروز وزیر صحت عامه گفت بیش از یک میلیون کودک در افغانستان با معتاد هستند و یا از مواد مخدر به عنوان دوا استفاده می کنند. وزیر صحت عامه افغانستان این رقم را «سراسام آور» توصیف کرد و افزود که به دلیل فقر و بی کاری علاقمندی مردم به استفاده از مواد مخدر در روستاها افزایش یافته است. آقای فیروز گفت: «سروی کنونی رقم سراسام آور افزایش استفاده از مواد مخدر میان افراد روستایی و شهرنشین را نشان می دهد».

وزیر صحت عامه افغانستان با ابراز نگرانی شدید از افزایش میزان استفاده کننده گان مواد مخدر گفت که دولت افغانستان و جامعه جهانی مبارزه با مواد مخدر

یک تحقیق تازه نشان می دهد که سیزده درصد کل جمعیت افغانستان در روستاها از مواد مخدر استفاده می کنند. تهیه کننده گان این تحقیق می گویند که میزان استفاده از مواد مخدر در افغانستان، بالاترین رقم در سطح جهان است.

این تحقیق توسط اداره بین المللی مبارزه با مواد مخدر و تنفیذ قانون وزارت امور خارجه ایالات متحده امریکا با همکاری وزارت های صحت عامه و مبارزه با مواد مخدر افغانستان انجام شده است.

آماري که وزارت صحت عامه ارایه کرد نشان می دهد که سه میلیون نفر در افغانستان از مواد مخدر استفاده می کنند که از این میان، ۱٫۶ میلیون نفر آنها به مواد مخدر معتاد اند. این تحقیق نشان می دهد که ۱۳ درصد مردم افغانستان در روستاها و پنج درصد در شهرها از مواد مخدر استفاده می کنند.

باشنده گان ۲۴ ولایت افغانستان به صورت نمونه مورد تحقیق قرار گرفته اند. در این تحقیق برای تشخیص استفاده کننده گان مواد مخدر از روش های جدیدی از جمله آزمایش آبدهن و سم شناسی استفاده شده است. نتیجه این تحقیق که روز سه شنبه، ۲۲ ثور، در کابل منتشر شد، حاکیست که شمار معتادان به مواد مخدر در افغانستان طی سال های اخیر افزایش چشم گیری یافته است.

سلامت عظیمی وزیر مبارزه با مواد مخدر افغانستان در یک کنفرانس مشترک خبری با وزیر صحت عامه و ویلیام برون د فیلد معاون وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا در امور بین المللی مبارزه با مواد مخدر و تنفیذ قانون، در کابل گفت: «این همه نشان دهنده

# ورزش



## نبرد مرگ و زنده‌گی رئال

رفت که در تورین برگزار شد، موفق به باز کردن دروازه تیم پیشین خود شد. با رفتن ایگر کاسیاس به لیگ آمریکا و محو شدن دنی کارواخال با آمدن دانیلوی برزیلی در دفاع راست در فصل آینده هیچ بازیکنی از آکادمی جوانان باشگاه دیگر در ترکیب نخست رئال به میدان نخواهد رفت. این یعنی مرگ یک باشگاه اصیل.

نمی‌خواهیم زود قضاوت کنیم. نخست باید موقعیت کاسیاس در باشگاه را بسنجیم و بدانیم که آیا نقشی در ترکیب اولیه دارد یا نه. نقشی که او را در مقابل تمامی شعارها و هو کردن های هواداران قرار بدهد. شاید خیلی عجیب باشد که هنوز هم آنچلوتی از «سنت ایگر» با وجود تمامی اشتباه‌ها و نمایش‌های ضعیف حمایت میکند. در این میان کیلور ناواس، دروازه‌بان شماره دو رئال مادرید هم عملکرد بسیار خوبی داشته است. او در تمامی بازی‌هایی که در ترکیب قوهای سپید به میدان رفته، نمایش درخور اعتنایی از خود نشان داده است. او برای قرار گرفتن در ترکیب نخست رئال می‌جنگد تا شاید روزی سرمربی رئال نظرش برگردد و او را به عنوان دروازه‌بان نخست قبول کند.

حقیقت این است که انتقادهای از کاسیاس در دوران مربیگری ژوزه مورینیو روی نیمکت رئال مادرید آغاز شد. هنوز هم بسیاری از هواداران که طرفدار سرمربی پرتغالی هستند، بدون هیچ وابستگی به سرمربی پیشین این تیم باز هم از ایگر انتقاد می‌کنند. شاید با واقعه بی‌رو به رو هستیم که خودش پاسخ خودش را می‌دهد. سه سال است که از کاسیاس انتقاد می‌شود و در همین زمان، او تمامی اعتماد به نفسش را از دست داده است. او اکنون می‌داند که منتقدان از او چه می‌خواهند و هر روز می‌داند که به چه دلیلی از او انتقاد می‌شود. رئال مادرید در حال حاضر با دروازه‌بانی رو به روست که به خودش اطمینان ندارد و تمام اعتماد به نفس‌اش به یغما رفته است.

مساله کاسیاس تنها چیزی نیست که آنچلوتی باید آن را حل کند. مدیر برنامه‌های گرت بیل اعلام کرده است هم تیمی‌های این هافبک ولزی در جریان بازی‌های رئال مادرید به اندازه‌ی بی‌کی باشد، به او پاس نمی‌دهند. اگر به آمار نگاهی بیندازیم، متوجه این امر می‌شویم. از سوی دیگر، تونی کروس که آسیب دیده بود به ترکیب بازگشته است. کریم بنزما هم در جلسه‌های تمرینی اخیر تیمش حضور داشته است و به نظر می‌رسد در دیدار حساس با یوونتوس در ترکیب تیمش قرار خواهد گرفت. اگر بخواهیم به ترکیب اولیه رئال مادرید مقابل بانوی پیر فکر کنیم، شاید به خروج خاویر هرناندس از ترکیب فکر کنیم اما نمایش این مهاجم مکزیکی و همکاری خوبی که با سایر بازیکنان این تیم داشته است، موجب می‌شود به این فکر کنیم اگر او از ترکیب خط بخورد، کل تیم دچار مشکل شده و ممکن است حذف شود. به همین خاطر می‌شود به حذف گرت بیل از ترکیب اولیه هم فکر کرد.

مشکل بعدی رئال مادرید سیستمی است که آنچلوتی تیمش را با آن به زمین می‌فرستد. ترکیب اولیه‌ی بی‌کی که کارلتو مقابل والنسیا به میدان فرستاد، تهاجمی‌ترین ترکیبی بود که او می‌توانست تیمش را مقابل خفاش‌ها قرار دهد. رئال ۳-۳-۴ بازی کرد و باخت. موقعیت‌های گلزنی زیادی روی دروازه والنسیا داشتند اما این موضوع برای غلبه بر والنسیا کافی نبود. یوونتوس در هم رویارویی با رئال مادرید در سانتیاگو برنابئو از همین مساله استفاده خواهد کرد. تورینی‌ها باید کمربند میانی زمین را از آن خود کنند. یوهه پل پوگبا را دارد که به ترکیب تیمش بازگشته و کارآیی سه نفر را برای آنها دارد. وسوسه‌های مرگ و زندگی درست در دستان کارلو آنچلوتی قرار دارد که باز هم سرخیو راموس را در خط میانی به میدان بفرستد یا نه.



رئال مادرید و ایگر کاسیاس در دیدار امشب (چهارشنبه) برای آینده‌شان مقابل یوونتوس به میدان می‌روند.

رویاری رئال مادرید با یوونتوس چیزی فراتر از یک رویارویی در نیمه‌نهایی اروپاست. نه تنها رئال باید برای حضور در فینال برلین تلاش کند، که سایه رقابت کریستیانو رونالدو و لیونل مسی هم در این مرحله از لیگ قهرمانان دیده می‌شود. از سوی دیگر آینده ایگر کاسیاس و کارلو آنچلوتی هم به این دیدار گره خورده است. تنها چیزی که می‌تواند ادامه حضور این دو را در سانتیاگو برنابئو قطعی کند، کسب یازدهمین قهرمانی در اروپاست.

نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان اروپا درست مانند چرخه‌ی است که باز و بسته می‌شود. رئال مقابل یوونتوس توانست در فینال ۱۹۹۸ به هفتمین عنوان قهرمانی‌اش در اروپا برسد. این قهرمانی پس از ۳۲ سال ناکامی در کسب جام در اروپا بود. یوونتوس همچنین یک دشمن دیرینه برای میلان آنچلوتی بود. هرگز فراموش نکنید این یوهه بود که در نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان اروپا در سال ۲۰۰۳ موفق به حذف رئال مادرید شد تا در فینال به دیدار میلان برود. از همان جا بود که فلورنتینو پرس، رئیس باشگاه رئال به دنبال این افتاد تا جان‌لوییجی بوفون را جانشین ایگر کاسیاس در مادرید کند. کاری که هنوز هم موفق به انجامش نشده است.

شاید آوارو موراتا این چرخه را کامل کند. عجیب‌ترین بازیکن در این حلقه که بین دو باشگاه وجود دارد. او که محصول آکادمی جوانان باشگاه رئال مادرید است، در دیدار

## هزارد جایزه اتحادیه نویسندگان انگلیس را هم برد



هافبک بلژیکی چلسی موفق شد جایزه اتحادیه نویسندگان فوتبال در انگلیس را هم از آن خود کند.

در رای‌گیری که در آن بیش از ۳۰۰ ورزشی‌نویس انگلیسی شرکت کرده بودند، ادن هازارد موفق شد با کسب ۵۳ درصد آرا بالاتر از هری کین، مهاجم تانهم و جان تری، کاپیتان چلسی جایزه اتحادیه نویسندگان انگلیسی را از آن خود کند.

این بازیکن ۲۴ ساله به سومین بازیکن چلسی بدل شد که توانسته است این جایزه را از آن خود کند. جان فرانکو زولا در سال ۱۹۹۷ و فرانک لمپارد در سال ۲۰۰۵ نیز این جایزه را کسب کرده بودند.

هزارد در این فصل موفق به زدن ۲۰ گل شده است و پاس‌های گل زیادی را هم به هم تیمی‌هایش داد تا تیم تحت هدایت ژوزه مورینیو بتواند عنوان قهرمانی این فصل لیگ برتر انگلیس را پس از پنج سال کسب کند. هزارد جایزه‌اش را در مراسمی که ۲۱ می (۸ روز دیگر) برگزار می‌شود، دریافت خواهد کرد. این جایزه از سال ۱۹۴۸ به بهترین شخصیت ورزشی انگلیس اهدا می‌شود.

### سوارز:

### استعداد مسی برخلاف رونالدو ذاتی است

مهاجم اروگوئه‌ای آبی‌پوشان کاتالونیا به این دلیل مسی را برتر از همتای پرتغالی‌اش می‌داند که از استعداد ذاتی برخوردار است نه از قابلیت‌های اکتسابی.

به نظر لوئیز سوارز، لیونل مسی از اولین روزی که وارد دنیای حرفه‌ی فوتبال شده مهارت و تکنیک‌های خود را به معرض نمایش گذاشته است در حالی که کریستیانو رونالدو به تدریج و در گذر زمان به بازیکنی تبدیل شده که اکنون هست و مسی به دلیل ثبات عملکردش از ابتدا تاکنون نسبت به رونالدو بازیکن بهتری است.

سوارز در گفت‌وگو با نشریه لوبوتو اظهار داشت: مسی از استعدادی طبیعی و ذاتی برخوردار است. تکنیک در وجود اوست. به نظر من مسی بهترین بازیکن دنیاست و با استعداد و تکنیک زاده شده است. رونالدو اما به مرور زمان پیشرفت کرده و با سختکوشی و کار زیاد به سطح کنونی رسیده است. او زمانی که دوران بازیگری‌اش را شروع کرد در سطحی که اکنون هست، نبود. به همین دلیل فکر می‌کنم که لئو در میان این دو، بازیکن بهتری است.

سوارز در ادامه به اظهارنظر درباره وضعیت ماریو بالوتلی و مشکلاتی که او در فصل جاری در لیورپول داشته پرداخت و گفت: من فکر می‌کنم بالوتلی تا اکنون با حضورش در تعدادی از باشگاه‌های بزرگ اروپا توانسته خودش را به عنوان بازیکنی قدرتمند معرفی کند. انجام کارهای بالوتلی در منچستر سیتی کار آسانی نیست. بعد از یک دوره حضور در ایتالیا، او به انگلیس رفت، دوباره به ایتالیا برگشت و در نهایت دوباره دوران بازیگری‌اش را در انگلیس ادامه داد. در این فصل اوضاع برای بالوتلی بر وفق مراد نبوده اما به نظر من او هنوز هم بازیکن بزرگی است.



### پیرلو:

## منچستر یونایتد از رفتن پوگبا پشیمان شده است



هافبک کهنه کار یوونتوس بر این باور است که باشگاه منچستر یونایتد از این که اجازه خروج پل پوگبا را صادر کرده به شدت پشیمان است.

در حالی که باشگاه‌های پاری سن ژرمن، منچستر سیتی و بارسلونا به دنبال خرید پل پوگبا، ستاره فرانسوی و ۲۰ ساله یوونتوس با مبلغ ۷۰ میلیون پوند هستند، این بازیکن در تابستان ۲۰۱۲ و با قراردادی آزاد منچستر یونایتد را ترک کرد و راهی یوونتوس شد.

آندره‌آ پیرلو در این زمینه به دلیلی میرر گفت: وقتی او به یوونتوس آمد، چیز زیادی در موردش نمی‌دانستیم اما خیلی زود خودش را به ما به عنوان یک بازیکن خاص نشان داد. به یاد می‌آورم که بسیاری از بازیکنان یوونتوس باور نمی‌کردند. باور نمی‌کردیم منچستر یونایتد اجازه داده باشد بازیکنی در این سطح از تیمشان برود. پوگبا اکنون یکی از بهترین هافبک‌های میانی در دنیاست. می‌دانم که یونایتدها هر روز از کاری که انجام دادند احساس پشیمانی می‌کنند. سر آلکس فرگوسن دوران موفق‌تری را روی نیمکت منچستر یونایتد داشت اما چند تصمیم اشتباه هم گرفت که صدور اجازه خروج برای پوگبا یکی از آنها بود.

پیرلو در ادامه اعلام کرد هیچ وقت از رد کردن پیشنهاد باشگاه رئال مادرید اسپانیا و چلسی انگلیس پشیمان نیست و از این که تمام دوران فوتبالش را در ایتالیا سپری کرده، خوشحال است.

او در این زمینه گفت: می‌توانستم به رئال مادرید یا چلسی بروم اما به هیچ وجه پشیمان نیستم. رئال بزرگترین باشگاه دنیاست اما وقتی به موفقیت‌هایی که به همراه میلان و یوونتوس کسب کردم نگاه می‌کنم، اصلا احساس پشیمانی نمی‌کنم.

یوونتوس در دیدار رفت مرحله نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان اروپا توانست در خاک ایتالیا با نتیجه دو بر یک رئال مادرید را شکست دهد. پیرلو این شانس را دارد که پس از رسیدن به فینال لیگ قهرمانان، برای سومین بار در دوران فوتبالش در اروپا قهرمان شود.

هافبک تیم ملی فوتبال ایتالیا در این باره هم گفت: در حالی که مصاف رئال می‌رویم که از نظر نتیجه نسبت به آنها برتری داریم. البته این برتری زیاد به چشم نمی‌آید اما در حالی که مصاف آنها می‌رویم که سعی می‌کنیم بهترین نتیجه را بگیریم. رئال قصد دارد از عنوان قهرمانی فصل گذشته‌اش دفاع کند.

کارلو آنچلوتی، سرمربی رئال هم یکی از مربیان باتجربه در اروپاست. او مربی کارکشته‌ای در بازی‌های بزرگ اروپایی است و اگر می‌خواهیم به فینال برلین برویم، باید در بهترین شرایطمان قرار داشته باشیم. برلین یک مکان خاص برای من است. در ورزشگاه این شهر موفق شدم جام جهانی را در سال ۲۰۰۶ بالای سر ببرم و اکنون هم می‌خواهم لیگ قهرمانان اروپا را در آنجا فتح کنم. می‌دانم که شانس نخست قهرمانی نیستیم اما در فوتبال همیشه این که شانس اول قهرمانی نباشی اهمیتی ندارد. مهم این است که یوونتوس در سطح بالایی با رقبا می‌جنگد. قهرمانی در اروپا رویای هواداران تورینی است. باشگاه هم این را دوست دارد و خودم هم امیدوارم این اتفاق بیفتد.

## طرح خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌یی در راهروهای سازمان ملل



تلاش سازمان ملل برای نابودی تسلیحات هسته‌ای در خاورمیانه به خطر افتاده است چراکه مصر با شکایت از پیشرفت کند آن خواستار استعفای هماهنگ‌کننده فنلادی آن شده است.

به گزارش خبرگزاری رویترز، مقام‌های غربی می‌گویند، پیشنهادات اعراب به رهبری مصر برای برگزاری کنفرانس منع گسترش تسلیحات هسته‌ای در مقر سازمان ملل واقع در نیویورک می‌تواند روند مذکور را نابود کرده و اسرائیل را تشویق به کناره‌گیری کند.

اسرائیل این فرضیه را که تنها زرادخانه اتمی خاورمیانه را در کنترل دارد، نه تایید و نه رد می‌کند.

رژیم صهیونیستی که هرگز به معاهده منع گسترش تسلیحات اتمی (ان پی تی) ملحق نشده است، موافقت کرد که پس از ۲۰ سال غیبت، روز دوشنبه در نشست ان پی تی به عنوان ناظر شرکت کند.

هاشم بدر، معاون وزیر خارجه و رییس هیات مصر اظهاراتی مبنی بر کارشنکی قاهره را رد و تاکید کرد که آنها می‌خواهند این پروسه پیشرفت کند نه اینکه از بین برود.

وی افزود: هیات مصر به نیویورک آمده است تا از برگزاری کنفرانس منع تسلیحات هسته‌ای در خاورمیانه اطمینان حاصل کند. ما می‌خواهیم این کنفرانس برگزار شود. از مدت‌ها پیش این مساله‌ای کلیدی برای مصر بوده است؛ برای چندین دهه؛ از ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵.

دیپلمات‌ها بر این باورند که ناکامی در حصول توافق در کنفرانس ان پی تی می‌تواند منجر به نابودی ابتکار عمل منع تسلیحات هسته‌ای در خاورمیانه شود. دولت مصر در پیشنهادی که مورد حمایت تمام هیات‌های عربی بود، خواسته است تا هماهنگ‌کننده فنلاندی این طرح برکنار شود.

نشست بازرگاری ان پی تی ۲۰۱۰ خواستار برگزاری کنفرانس خاورمیانه در

## اردوغان: هر که با من نباشد علیه ترکیه است



رییس جمهوری ترکیه با انتقاد شدید از تمامی احزاب مخالف خود آنها را همدستان فتح‌الله گولن خواند که «باور، فرهنگ و تاریخ ملت ترکیه را هدف گرفته‌اند.»

به گزارش شبکه خبری ارم، به نظر می‌رسد رجب طیب اردوغان، رییس‌جمهوری ترکیه با انتقاد شدید از مخالفان خود و قائل نشدن استثنا برای هیچ یک از آنها، قصد دارد پس از اعمال محدودیت بر فعالیت‌های آنان و متهم کردنشان به تضعیف کشور، راه را برای تغییر نظام حاکم در ترکیه به ریاست‌جمهوری هموار کند.

رییس جمهوری ترکیه گفت: احزاب مخالف کشور در کنار گروه هواداران «فتح‌الله گولن» ایستاده‌اند.

دولت ترکیه، فتح‌الله گولن را به نفوذ در نهادهای دولتی و تلاش برای تسلط بر کشور متهم می‌کند، اردوغان نیز همه مخالفان دولت را در دایره اتهام قرار داده است.

اردوغان در سخنرانی در جمع ساکنان شهر ترابزون، در شمال شرق کشور گفت: احزاب مخالف نه تنها برای خدمت به مردم ترکیه تلاش نمی‌کنند بلکه در کنار کسانی ایستاده‌اند که باورها، تاریخ، فرهنگ و ارزش‌های مردم را هدف حملات خود قرار داده‌اند.

بی‌شک این انتقادات تند اردوغان از احزاب مخالف، در راستای مقدمه‌سازی برای هدفی است که وی به وسیله اعمال محدودیت بر مخالفان و اتهام زنی به آنان مبنی بر تلاش برای تضعیف کشور، آن را دنبال می‌کند. اردوغان تلاش می‌کند نظام ترکیه را به ریاست جمهوری تبدیل کند تا به این ترتیب قدرت خود را بر همه مسوولان و بخش‌ها کشور مستولی کند.

رییس‌جمهوری ترکیه با اشاره به انتخابات پارلمانی در هفتم ژوئن آینده، گفت: در این انتخابات گروهی تلاش می‌کنند ترکیه جدیدی را پایه‌ریزی کنند و گروه دیگری نیز تلاش می‌کنند به شکل قدیمی خود باقی بمانند.

وی در ادامه ریاست‌جمهوری و قانون اساسی جدید را برای ترکیه بسیار ضروری دانست و تاکید کرد کشور هرگز در برابر گروه فتح‌الله گولن تسلیم نخواهد شد.

فتح‌الله گولن، روحانی در تبعید و مخالف دولت انقره، از سال ۱۹۹۸ در ایالت پنسیلوانیای آمریکا اقامت دارد و دولت انقره وی را به نفوذ در دستگاه‌های قضایی و پلیس ترکیه متهم کرده است. همچنین طرفداران وی نیز به سوءاستفاده از سمت‌های خود و شنود غیرقانونی مقامات دولتی و شهروندان متهم هستند.

## غیبت پادشاهان در مذاکرات سران خلیج با اوباما در کمپ دیوید

قرار دارد.

اعلامیه روز یکشنبه ملک سلیمان پادشاه تازه به تخت نشسته عربستان سعودی دایر به این که در این مذاکرات شرکت نخواهد کرد، درست دو روز پس از آن صورت می‌گیرد که مقامات کاخ سفید گفته بودند اوباما و شاه عربستان سعودی، دو به دو، پیش از نشست کمپ دیوید با هم گفتگو می‌کنند.

توضیح ریاض در این مورد چنین بوده است که پادشاه عربستان سعودی می‌خواهد در منطقه خلیج بماند تا از آتش بس پنج روزه با یمن نظارت کند که قرار است روز سه شنبه آغاز گردد.

طبق اظهار کاخ سفید، اوباما و شاه سلمان در مورد این مذاکرات سران از طریق تلفون روز دوشنبه صحبت کرده‌اند. بن رودس، دستیار سیاست خارجی اوباما هرگونه اختلاف در این گفتگوها را رد کرده و گفته است که دو رهبر در مورد «کنفرانس عالی سران شورای همکاری کشورهای خلیج (در کمپ دیوید) که در پیش رو است» صحبت کردند. آن‌ها دستور کار نشست را بررسی کردند و روی نیاز همکاری نزدیک با سایر کشورهای خلیج در رابطه با تهدیدها در منطقه موافقت کردند.

انکار تنش

عادل الجبیر وزیر خارجه عربستان سعودی نیز موجودیت تنش میان دو کشور را رد کرد. او گفت که اشتراک نکردن پادشاه در این نشست، «به هیچ طریق، نوع و شکلی به مفهوم اختلاف میان دو کشور نیست». الجبیر افزود: «فکر می‌کنم این طرز برداشت که عدم اشتراک پادشاه در این نشست یک بی‌اعتنایی است، واقعا بی اساس است. هیئتی که فرستاده می‌شود نهایت عالیرتبه است. این هیئت مطلقاً حق دارد تا از کشور سلطنتی نمایندگی نماید.»

رسانه‌ها گزارش داده‌اند که عربستان سعودی با تلاش‌های ایالات متحده آمریکا برای رسیدن به توافق هسته‌یی با ایران موافق نیست. عربستان سعودی که یک کشور سنی حوزه خلیج است، ایران را به مثابه یک نقش پرداز بی ثبات کننده در این منطقه می‌شمارد.

همچنان برخی دیگر از کشورهای خلیج می‌خواهند با واشنگتن یک موافقتنامه رسمی و مکتوب داشته باشند که بر مبنای آن، هرگاه این کشورها مورد حمله ایران و یا کدام کشور دیگر قرار بگیرند، ایالات متحده باید به دفاع از آنها بپردازد. ایالات متحده آمریکا چنین توافقاتی با جاپان دارد. اما مقامات حکومتی ایالات متحده آمریکا گفته‌اند که آن‌ها نمی‌توانند شامل چنان پیمان دفاعی گردند که با مخالفت کانگرس مواجه شود.



تنها پادشاهان کویت و قطر در مذاکرات سران در کمپ دیوید با اوباما در این هفته شرکت می‌کنند. پادشاه عربستان سعودی و سه پادشاهی دیگر شورای همکاری خلیج هیئت‌های پایین رتبه به این اجلاس می‌فرستند.

نشست دو روزه در محل تفریح رییس جمهور آمریکا در کمپ دیوید واقع در کوهستان‌های مریلند در شمال غرب واشنگتن، دعوت نادری است از شش عضو کشورهای شورای همکاری خلیج.

اما زمامداران عربستان سعودی، امارات متحد عربی، بحرین و قطر از شرکت در این مذاکرات که روز پنجشنبه برگزار می‌شود، طفره رفته‌اند و به عوض، نمایندگان پایین رتبه فرستاده‌اند.

طبق اظهار مقامات ایالات متحده آمریکا، در دستور این مذاکرات موضوعاتی چون ادغام مهندسی دفاعی موشک‌های بالستیک، تمرین‌های نظامی بیشتر به خصوص در آب‌های ساحلی این کشورها، مقابله با تروریسم، چالش‌های ناشی از دفاع هوایی و موشکی و زیرساخت حکومتی علیه حملات سایبری